



بخش اوّل

کلیات

۱- رویکرد حاکم بر برنامه تعلیم و تربیت دینی (رویکرد فطرت‌گرا)

رویکردها یا رهیافت‌ها عموماً منتج از دیدگاه‌ها و برگرفته از آن‌ها هستند و بر عناصر و اجزای یک برنامه پرتوافکنی می‌کنند. درواقع، رویکرد، تقرب به یک دیدگاه است برای ساماندهی به یک برنامه. به همین جهت، رویکرد، نقطه اتصال برنامه به مبانی معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی و جهان‌شناسی و منعکس‌کننده آن مبانی در یک برنامه است.

از آن‌جا که بحث ما در برنامه تعلیمی و تربیتی، انسان است، دیدگاه اسلام درباره انسان مبانی است که تعلیم و تربیت با رهیافت و تقرب بدان، راه خود را می‌یابد و پیش می‌برد.

در دیدگاه اسلام نسبت به انسان، «فطرت» نقش محوری دارد و همه مباحث انسان‌شناسی اسلامی به گونه‌ای به این اصل بازمی‌گردد. به همین جهت شهید مطهری گفته‌اند معرفت به فطرت، ام‌المعارف اسلامی است. فطرت به معنای نوع خاص خلقت انسان است. این خلقت خاص، اوصاف و ویژگی‌های ذاتی به انسان بخشیده که او را از سایر موجودات و مخلوقات متمایز می‌کند و استعدادها، گرایش‌ها، توانایی‌ها و غایات ویژه‌ای به او می‌بخشد. دین که راه سعادت و کمال انسان است، بر این فطرت بنا شده و در نسبت با آن نازل گردیده است.

فاقم وجهک للدين حنيفاً فطرة الله التي فطر الناس عليها لا تبديل لخلق الله ذلك الدين القيم ولكن اكثر الناس لا يعلمون^۱

پس روی خویش را به سوی دین یکتاپرستی فرا دار، درحالی که از همه کیش‌ها روی برتافته و حق‌گرا باشی، به همان فطرتی که خدا مردم را بر آن آفریده است آفرینش خدا را دگرگونی نیست، این است دین راست و استوار، ولی بیش‌تر مردم نمی‌دانند

بنابر معارف دینی، هر انسانی با فطرتی پاک به دنیا می‌آید^۲ و تنها طریقی که می‌تواند انسان را به فلاح و رستگاری برساند و استعدادهای واقعی‌اش را شکوفا سازد، طریق سازگار با فطرت و منطبق بر آن است. همچنین، مطابق با معارف دینی، مهمترین ویژگی فطری انسان، گرایش به توحید، عبودیت

۱- سوره روم، ۳۰.

۲- پیامبر اکرم اسلام (ص) فرمودند: «کل مولود یولد علی الفطرة» صحیح بخاری، کتاب الجنائز، ابواب ۸۰ و ۹۳.

خدای یگانه و معرفت‌الله^۱ است. فطرت انسان، فطرتی توحیدی است بدین معنا که هم خود را وابسته به خالق می‌یابد که منبع و سرچشمه همه خیرها و کمالات است و هم گرایش به او – که گرایش به سوی همان خوبی‌ها و زیبایی‌هاست – در ضمیر خویش احساس می‌کند. دین اسلام که دین فطری است، آمده تا این فطرت توحیدی را در همه ابعاد شکوفا کند و شخصیتی توحیدی از انسان بسازد. به علاوه، رسیدن به بینش توحیدی در باب جهان و انسان – که به تعبیر استاد شهید مطهری، به معنای درک ماهیت «ازایی» و «به‌سوی‌اویی» جهان و انسان است – زیرنا و محور برنامه هدایتی اسلام است که همه اجزا و مؤلفه‌های این برنامه را شکل و جهت می‌دهد: «صبغة الله و من أحسن من الله صبغة»^۲.

فطرت‌گرایی توحیدی در تعلیم و تربیت، رهیافتی بنیادی است که ابعاد مختلف هدایت‌دینی را شکل می‌دهد:

الف – بنابراین رهیافت، جهان مجموعه‌ای یکپارچه، مرتبط به هم و دارای پیوندی وثیق است که در نسبت با خدا معنا می‌یابد. هویتی زنده و شخصیتی واحد دارد و وحدت خود را در نسبت با حقیقت واحد بی‌نهایتی که از او آمده کسب می‌کند.

ب – علاوه بر این، این مجموعه یکپارچه واحد، بازگشتی به سوی او دارد. البته بازگشت انسان، بازگشتی ویژه خود، و متناسب با شأن و منزلت وی می‌باشد. «واقعیت تکاملی انسان و واقعیت تکاملی خلقت، واقعیت «به‌سوی‌اویی» است. هر چه رو به سوی او ندارد باطل و برضد مسیر تکاملی خلقت است.»^۳

ج – ثمره توجه به فطرت توحیدی در هدایت، تحقق مراتبی از توحید عملی در شخصیت انسان‌هاست. نفی آلهه درونی و بیرونی، جهت‌گیری همه قوای روحی و جسمی به سمت تقرب الی‌الله و بالاخره، رسیدن به وحدت شخصیت^۴، حقیقت توحید عملی است. اخلاص، تعبیر دیگری از توحید عملی است. «تأثیر و نفوذ خداشناسی در انسان مراتب و درجات دارد و تفاوت انسان‌ها از نظر کمال انسانی و قرب به خداوند به این درجات بستگی دارد و همه این‌ها «صدق» و «اخلاص» نامیده می‌شوند؛ یعنی همه این درجات، درجات صدق و اخلاص است.»^۵

د – میوه توحید نظری و توحید عملی در افراد جامعه اسلامی، برپایی توحید اجتماعی و

۱- از امام باقر(ع) در مورد «حنیفیت» سؤال شد، فرمودند: «هی الفطرة التي فطر الناس عليها لا تبديل لخلق الله، فطرهم الله على معرفة» توحید صدوق، ص ۳۳، به نقل از استاد شهید مطهری. مجموعه آثار، ج ۳، ص ۴۶۲.

۲- بقره/ ۱۳۸. امام باقر(ع) می‌فرماید: «عروة الوثقى التوحيد و صبغة الاسلام. بحار الانوار، ج ۳، ص ۲۷۹.

۳- استاد شهید مطهری، مجموعه آثار، ج ۲، ص ۱۳۵.

۴- اصطلاحی که استاد شهید مطهری به کار می‌بردند و آن را نتیجه پرستش خدای یگانه و بندگی می‌دانستند.

۵- استاد شهید مطهری، مجموعه آثار، ج ۲، ص ۱۳۳.

شکل‌گیری جامعه‌ای است که نظامات و مقررات آن، برنامه‌ها و فعالیت‌های آن به‌خاطر خدا و برای اطاعت از اوامر اوست. یعنی همه فعالیت‌های اجتماعی جهتی واحد دارند که همان رضایت الهی و اطاعت از اوست.

هـ — نظام تعلیمی و تربیتی اسلامی (هدایت اسلامی) نظامی است که به تحقق توحید در اندیشه و عمل انسان‌ها می‌انجامد. به عبارت دیگر، خود برنامه نیز برنامه‌ای توحیدی است، به گونه‌ای که همه ابعاد و اجزای آن در هماهنگی و وحدت کامل قرار دارند و هدفی واحد را که پرورش انسان مهتدی است دنبال می‌کنند.

۲- اصول حاکم بر برنامه تعلیم و تربیت دینی دوره متوسطه و پیش‌دانشگاهی

اصول ویژه

۱- محور قرار گرفتن قرآن کریم و سنت و سیره معصومین صلوات الله علیهم
این اصل که برگرفته از مبانی تعلیم و تربیت دینی است، بر همه مراحل برنامه، به خصوص موارد زیر حاکم است:

اول: اهداف کلی و پایه‌های تحصیلی

دوم: تدوین محتوا و رسانه‌های آموزشی

سوم: تعیین اولویت‌های آموزشی

چهارم: روش‌های تعلیمی و تربیتی

۲- تنظیم محتوا در چهارچوب برنامه نظری و عملی زندگی، متناسب با حضور در دنیای امروز: یکی از ضرورت‌های تربیت دینی قرار دادن راه عملی و برنامه زندگی پیش روی نسل امروز است. نسلی که می‌خواهد در دنیای امروز زندگی مذهبی داشته باشد، یک زندگی عزتمند که نه تنها احساس حقارت و کمبود شخصیت نکند، بلکه با سربلندی حضور مؤثری در جامعه داشته باشد و به رضایت درونی برسد. این آموزش باید با زندگی دانش‌آموز عجین شود و با آن درآمیزد و از طریق نمونه‌های عینی و مصادیق ملموس، جنبه عملی و کاربردی تعالیم دینی تقویت شود.

۳- استفاده از شیوه‌های بیدارگری وجدان و نفس لواحه : با پیروی از قرآن کریم، و با توجه به پاک بودن فطرت نوجوان و جوان، بخشی از آموزه‌های دینی در قالب‌هایی عرضه شود که وجدان را برانگیزاند و نفس لواحه را به آن آموزه‌ها جلب نماید.

۴- توازن در پرورش روحیه تعبد، تعقل، و تعلق قلبی : قرآن کریم نسبت انسان با خدا و دستورات الهی را در سه مرتبه طرح می‌کند :

اول : انجام تکلیف و اطاعت از خداوند براساس قبول رابطه‌ی بندگی و اعتماد مطلق به خداوند و تسلیم در برابر خواست‌های او؛ توجه به اوامر و نواهی خداوند و قبول آن‌ها براساس اعتقاد به مالکیت مطلق خداوند بر جهان و انسان.

دوم : همین انسان که عمل را از سر اطاعت مطلق انجام می‌دهد، در تحلیل عقلی درمی‌یابد که اوامر و نواهی الهی بنا بر مصالحی است که کمال و رشد انسان را تضمین می‌کند. این تصدیق عقلی کیفیت عمل را تعالی می‌بخشد و اعتماد شخص را افزایش می‌دهد.

سوم : همین انسان از زاویه‌ای دیگر به خدا، که جمال و کمال مطلق است، عشق می‌ورزد و او را مقصد و مقصود و محبوب خود می‌یابد و می‌کوشد رضایت خاطر دوست را فراهم کند. پس هر کاری را که محبوب دوست دارد، انجام می‌دهد و از آن‌چه دوست متنفر است، دوری می‌کند.

این سه بُعد نه تنها با یکدیگر تنافر ندارند، بلکه مکمل و متمم یکدیگرند و به میزانی که انسان به کمال برسد، توانایی او در جمع این سه بُعد افزایش می‌یابد. تبیین دین با توجه به این سه بُعد، معقولیت دین را روشن می‌کند، زیبایی‌های آن را عیان می‌سازد و تعبد در پیشگاه خداوند را تضمین می‌کند.

۵- ایجاد طلب و تشنگی در مخاطب : پیش از عرضه‌ی معارف، ایجاد طلب و تشنگی در مخاطب ضروری است. اگر وی به این معارف احساس نیاز نکند، به سوی آن روی نخواهد آورد و شاهد و شیرینی آن را نخواهد چشید. چنین مخاطبی، به شخصی می‌ماند که با احساس سیری کاذب بر سر سفره‌ای رنگین نشسته و به هیچ یک از غذاها میل ندارد.

نباید چنین اندیشید که باید از فرصت استفاده کرد و همه چیز را به دانش آموز گفت. این سیرابی، درواقع، سراب است. باید شرایطی فراهم کرد که متعلم احساس نیاز کند و با طلب درونی به سوی معارف دینی روی آورد.

آب کم جو تشنگی آور به دست تا بجوشد آبت از بالا و پست

۶- فراهم کردن فرصت تأمل با خود : تربیت دینی با میل و کششی در قلب آغاز می‌شود. این میل و کشش نیز آن‌گاه پدید می‌آید که مخاطب فرصت تأمل و درون‌کاوی خود را پیدا کند و گرایش‌های فطری به زیبایی‌های دینی در خودآگاه وی ظاهر شود. در این تأملات، زیبایی‌های دین لمس می‌شود و از درون وی انگیزه‌ای به سوی معارف دینی پدیدار می‌شود.

۷- برقراری ارتباط و تعامل میان مباحث نظری و عملی : مباحث نظری و مباحث عملی (اخلاق و احکام) باید به‌گونه‌ای طرح شوند که پیوند میان آن‌ها نشان داده شود. همان‌گونه که میان قوه تفکر و تعقل انسان با اعمال و رفتار او رابطه هست و در یکدیگر تأثیر متقابل دارند، مباحث نظری و عملی هم نباید به‌صورت بخش‌هایی مجزا و بی‌ارتباط طرح گردند. این امر سبب می‌شود که دانش‌آموز درک کند که مباحثی مانند خداشناسی، معاد و نبوت تأثیری ملموس و روشن در زندگی و رفتار وی دارد.

۸- ترسیم سیمای معقول و زیبای دین : ذات دین در نهایت معقولیت و زیبایی است. زیرا هم از جانب خدای حکیم و جمیل آمده و هم راه‌هدایتی است که نه تنها قوه نظری و عقلی انسان را به کمال می‌رساند، بلکه به او شخصیتی با زیبایی‌های معنوی می‌بخشد. گاهی این دین زیبا و معقول، با کج سلیقه‌گی‌ها و افراط و تفریط‌هایی روبه‌رو شده و به‌گونه‌ای معرفی گردیده که برای مخاطب جاذبه چندان‌ی نداشته است. معارف نظری دین باید همان‌گونه که هستند، در نهایت اتقان و استحکام عقلی و عملی عرضه شوند که عقل را اقناع کنند و احکام و دستورات عملی آن نیز باید به‌صورتی طرح گردند که یک زندگی بسیار زیبا و جذاب را برای مخاطب ترسیم نماید.

۹- اجتناب از طرح غیرضروری تشکیک و شبهه : از طرح تشکیک و شبهه در مسائل دینی تا حد امکان اجتناب گردد، زیرا طرح تشکیک و شبهه دانش‌آموز را از عصمت فطری‌اش خارج می‌کند. بهتر است موضوعاتی مانند خدا، معاد و نظایر آن را به‌عنوان اصل موضوع گرفت و تصویری صحیح، زیبا و جذاب از آن ارائه کرد، به‌نحوی که نوجوان احساس کند با درک و پیوند با این حقایق اشباع می‌شود و احساس نشاط و اطمینان می‌نماید. در موارد ضروری در سال‌های آخر دوره دبیرستان و پیش‌دانشگاهی باید به‌طور غیرمستقیم به دفع شبهات پرداخت. این کار باید در چارچوب دادن آگاهی عمیق، جامع و مستدل صورت گیرد. با تقویت ایمان دینی و علاقه و اشتیاق برای عمل به فرائض و نیز شناخت صحیح معارف و تعلیمات دینی زمینه‌ای فراهم می‌آید که دانش‌آموز در برخورد با شبهه متزلزل نشود و خود در صدد حل آن برآید.

۱۰- اولویت دادن به بیان امور مثبت : مقدم داشتن آموزش امور مثبت دین مثل توحید و فضائل پیامبران بر امور منفی مانند شرک و ظلم، تا بدین وسیله ظرف روح دانش‌آموز از حقایق دینی

سیراب و اشباع گردد و آثار توحید در شخصیت نوجوان ظاهر شود. ارائه تصویری از جهان، انسان و جامعه به نحو مثبت، موافق فطرت دانش‌آموز است و وقتی دانش‌آموز با چنین تصویری خو گرفت، غیر آن را نفی می‌کند.

۱۱- ایجاد روحیه حقیقت‌جویی و انصاف در دانش‌آموز: طرح درس به گونه‌ای باشد که دانش‌آموز به تحقیق و کاوش درباره اصول زندگی انسانی برانگیخته شود و با فراگیری روش تحقیق علمی و رعایت انصاف امکان بیش‌تری برای رسیدن وی به حقیقت فراهم گردد.

۱۲- پیراستن دین از خرافه‌ها و طرد عادات و رسوم اجتماعی نادرست از ساحت دین: خرافه‌زدایی از دین و پیراستن آن از آداب و سنن غلط اجتماعی با تکیه بر معارف قرآن کریم و سیره معصومین (ع) و مشی تربیت‌یافتگان ائمه بزرگوار به نحو دقیق و ظریف انجام گردد. دقت و ظرافت از آن جهت لازم است که بسیاری از آداب و سنن اجتماعی گرچه ممکن است از دین گرفته نشده باشند، اما با دین تعارضی ندارند و حفظ آن‌ها سبب وحدت ملی و همبستگی است و موافق طبع اقوام یک سرزمین است. بنابراین اول باید آداب و سنن غلط از آداب و سنن صحیح تفکیک شوند و سپس تعارض آداب و سنن غلط با دین روشن گردد. اگر به آداب غلط اجتماعی به نام دین بها داده شود، حقیقت دین مسخ می‌شود و دیگر قابل قبول برای انسان اندیشمند و فهیم نمی‌باشد.

۱۳- تکیه بر فطری بودن اصول دین و غیرطبیعی بودن انکار آن‌ها: از آن‌جا که اصول اعتقادی هماهنگ با فطرت انسان و نیز برهان و استدلال است و نقیض آن‌ها باطل و غیرعقلانی است، حتی الامکان طرح درس به گونه‌ای باشد که طرح سؤال بر ناحیه مقابل این اصول وارد شود تا ناسازگار بودن انکار این اصول با فطرت و عقل انسانی و غیرعادی بودن چنان برداشت‌هایی آسان‌تر تفهیم گردد.

۱۴- ارائه برنامه جامع اخلاقی و سلوک فردی و اجتماعی در حد انسان متعارف: آموزش اخلاقی باید یکی از ارکان اصلی آموزش دین باشد. پیامبر اکرم (ص) فرمود: «بعثت لأتمم مکارم الاخلاق». آنچه در این‌جا باید مدنظر قرار گیرد، ارائه یک برنامه عملی در اخلاق و سلوک فردی و اجتماعی است که غایت آن کمال فردی و به فعلیت رسیدن خصائل معنوی و کمالات نفسانی است. در این صورت دانش‌آموزی که انگیزه وصول به حقیقت در او ایجاد شده، می‌داند که چگونه عمل کند تا کمال یابد. یکی از نکاتی که در این رابطه باید در کتاب رعایت شود، گرایش اصلی به بیدارگری وجدان است، به نحوی که دانش‌آموز در یک مباحثه و گفتگوی درونی به ندای نفس لوازم پاسخ مثبت دهد. این بیداری وجدان باید در چارچوب مشخصی باشد تا محدوده کار برای معلم معین باشد. علاوه بر این، می‌توان مباحث اخلاقی را در ضمن بیان جذاب و شیرین سیره معصومین و تربیت‌یافتگان مکتب

وحی ارائه نمود، تا تأثیرگذاری آن مباحث بیش‌تر گردد.

۱۵- ترسیم فضای مناسب مذهبی در آموزش: شیوه حاکم در ارائه درس‌ها به‌نحوی باشد

که دانش‌آموز احساس کند در یک جامعه مذهبی حضور دارد و نسبت به جامعه خودش دارای وظیفه است و با عادات مذهبی آن جامعه آشناست.

جامعه‌ای که در محله آن مسجد است، صدای اذان به گوش می‌رسد، شب‌های جمعه آن دعاست، روز جمعه نماز است، در معاشرت سلام می‌گویند، در عزای حسینی شرکت می‌نمایند، اعیاد دینی را مهم می‌گیرند، در معامله و تجارت انصاف و جوانمردی را بر خدعه و دروغ، معنا و حقیقت را بر دنیا و ظواهر ترجیح می‌دهند، کار را برای خدا می‌کنند، نماز را در مساجد و در اول وقت می‌خوانند، با قرآن انس دارند، یار ستم‌دیده و دشمن ظالمند، حقیقت‌طلب و باانصافند، به اهل بیت به‌عنوان محبین و محبوبین خداوند عشق می‌ورزند، رفتار خود را با آنان تطبیق می‌دهند، از دیدن منکراتی چون ظلم، تجاوز، بی‌عفتی و سایر رذائل اخلاقی متنفر می‌شوند و از دیدن امور معروفی چون عدل، پاکدامنی و سایر فضائل اخلاقی مسرور می‌گردند. در عین حال، باید آموزش به‌گونه‌ای باشد که دانش‌آموز بتواند این فضای آرمانی را با فضای واقعی مقایسه کند و فضای واقعی را نقد نماید. این امر سبب می‌شود که انگیزه وی برای حرکت به سمت فضای آرمانی و تغییر و اصلاح وضع موجود افزایش یابد.

۱۶- توجه به تقویت خصلت اجتماع‌گرایی و تعهد در مقابل جامعه: برنامه درسی لازم

است در راستای رشد اجتماعی دانش‌آموز قرار بگیرد و بتواند اجتماع‌گرایی و تقدم مصالح جامعه بر مصالح فرد و قانون‌پذیری را القاء نماید، به‌طوری که با ورود دانش‌آموز به صحنه عمل اجتماعی نقش خود را به‌عنوان یک شهروند با کفایت و حافظ معیارها و ارزش‌های اسلامی در جامعه ایفاء نماید. متعهد به میثاق‌ها و تعهدات اجتماعی باشد و از عادات و رفتارهای ناپسند اجتماعی اجتناب نماید و نسبت به آن‌ها متنفر باشد، در رعایت اصل مهم امر به معروف و نهی از منکر کوشا باشد، خلق و خوی کریمانه اسلامی را در جامعه از خود بروز دهد.

۱۷- ایجاد آمادگی در دانش‌آموز برای حفظ هویت اسلامی خود در شرایط نامناسب:

آموزش به نحوی تنظیم گردد که ناظر بر واقعیات و ابتلائات اخلاقی و فرهنگی باشد و دانش‌آموز به نحوی آموزش ببیند که آمادگی برخورد مناسب و سنجیده با شرایط نامساعد را داشته باشد و منحل در شرایط مشکل نگردد. به عبارت دیگر آموزش نباید متناسب با شرایط ایده‌آل خالی از هرگونه مشکل تنظیم شود.

۱۸- تأکید بر دادن جهت الهی و غیرمادی به اعمال و رفتار: این نکته باید به‌نحوی

غیرمستقیم و ظریف آموزش داده شود که ارزشمندی اعمال انسان در غایت و هدف آن‌هاست. حقارت

و بزرگی انسان در کوچکی و بزرگی غایات است. کار برای خدا و غایات الهی چه در زندگی فردی و چه در زندگی اجتماعی و درک مقاصد بلند سبب ارتقاء کیفی زندگی می‌گردد و انسان را از روزمرگی و توجه به امور پست نجات می‌دهد.

۱۹- تقویت غیب‌باوری در دانش‌آموز : از آن‌جا که مبنای ایمان مذهبی، ایمان به غیب است و جهان‌بینی مذهبی به تمام معنایک جهان‌بینی غیب‌باورانه است، لذا تلاش در جهت تقویت هرچه بیش‌تر غیب‌باوری معقول و البته غیرخرافی در اندیشه و نگرش دانش‌آموزان باید از محورهای عمده و اصلی آموزش‌های دینی قرار گیرد.

۲۰- سمت‌گیری آموزش در جهت وحدت اسلامی : برنامه باید در جهت تقویت وحدت اسلامی و نزدیکی پیروان مذاهب مختلف اسلامی مؤثر باشد و مودت و رحمت میان آنان را استحکام بخشد. به همین دلیل باید از تعارضات و کشمکش‌های بی‌مورد فکری اجتناب نمود و محور آموزش را بر تعلیمات قرآن کریم و سیره و سنت پیامبر اکرم (ص) و اهل‌بیت بزرگوار ایشان که محبوب قلوب مسلمین می‌باشند قرار داد.

۲۱- تعمیم آموزش در حیطه‌های شناخت و بینش، باورها و گرایش‌ها، عمل و رفتار :
الف - این آموزش در سه حیطه شناخت و بینش، باورها و گرایش‌ها، عمل و رفتار صورت می‌گیرد، به‌نحوی که با آموزش در هر سه حیطه، شناخت معارف اسلامی و ایمان و عمل به آن‌ها تقویت گردد. با توجه به این‌که تقویت ایمان از اهداف اصلی آموزش است، باید علاوه بر آموزش صحیح معارف دینی، با فراهم کردن زمینه‌های عملی و انگیزه‌های درونی، به آموزش‌های حیطه عاطفی و رفتاری نیز توجه کامل گردد تا زمینه رسوخ و تعمیق شناخت و تبدیل آن به ایمان فراهم آید.

ب - گرچه ایمان متکی به شناخت صحیح است و در صورت حصول ایمان، انگیزه برای عمل نیز ایجاد خواهد شد، اما عمل به فرائض خود سبب تقویت ایمان و رسوخ شناخت می‌گردد، بنابراین ترتیب این سه، به معنی ترتیب زمانی نیست. یعنی لازم نیست حتماً در مرتبه اول آموزش عقلانی داده شود تا ایمان تقویت گردیده و عمل به دنبال آن آید، بلکه با توجه به خصوصیات و ویژگی‌های سنی دانش‌آموز لازم است با فراهم کردن زمینه‌های عملی و انگیزه‌های عاطفی، بر تقویت و تعمیق ایمان و ایجاد علاقه و اشتیاق به عمل تأکید شود.

ج - مقصود از حیطه اعمال و رفتار در این‌جا، فراتر از آن معنایی است که به‌طور متعارف مراد است. زیرا عمل و رفتار صالح دینی خود می‌تواند تقویت‌کننده ایمان و شناخت باشد، همان‌طور که عمل ناشایست قلب را تاریک می‌کند و غفلت را تقویت می‌نماید. علاوه بر این عمل صالح در آموزش دینی

نتیجه صریح و مستقیم آموزش نیست، بلکه غایتی است که مجموعه آموزش حصول به آن را تعقیب می کند. البته در مواردی نیز همان مقصود متعارف مورد نظر است، مثلاً وقتی استدلالی در خداشناسی بیان گردید، دانش آموز باید قادر باشد همان استدلال را به کار گیرد و با ذکر مقدمات به نتیجه برسد.

۲۲- حضور اندیشه های حضرت امام خمینی (قدس سره) در کالبد محتوای آموزش :

اندیشه های حضرت امام خمینی که معمار بزرگ نظام اسلامی در عصر حاضر هستند، باید در همه مراحل آموزش و محتوای کتاب های درسی حضور داشته باشد. استفاده از پیام ها، سخنرانی ها و کتاب های ایشان و آوردن مصادیق و نمونه ها و شواهد از آن ها و نیز ارجاع دانش آموز به این آثار در برنامه های تحقیقی خود، سبب توجه دانش آموزان به اندیشه های آن بزرگوار است.

۲۳- بهره مندی از دستاوردهای عالمان دین : در تدوین و تبیین آموزه های دینی، باید از

منبع غنی علوم و فرهنگ اسلامی که فرزندگان علم و تقوا در طول چند قرن تمدن اسلامی با مجاهدت خود فراهم ساخته اند، استفاده شود و دستاوردهای علمی که دانشمندان اسلامی معاصر در جهت ارائه اسلام ناب در جهان امروز عرضه کرده اند، به خصوص آثار فرهنگی حضرت امام خمینی، رهبر کبیر انقلاب اسلامی، علامه طباطبایی و شهید مطهری - رحمه الله علیهم - و رهنمودهای رهبر معظم انقلاب اسلامی فرا راه حرکت های آموزشی قرار گیرد.

۲۴- توجه به اهداف ویژه دختران و پسران : با توجه به این که در برخی از احکام دین

تفاوت هایی میان احکام دختران و پسران وجود دارد که باید به هر گروه به تنهایی آموزش داده شود، برنامه باید پیش بینی این تفاوت ها را بکند، همچنین در اموری مانند سن بلوغ، معاشرت، پوشش و حجاب، نظام خانواده، نقش مرد و زن در خانه و جامعه، باید به نوع مخاطب و نحوه پیام رسانی به او توجه گردد. همچنین جنبه های روانشناختی زن و مرد در مجموعه آموزش ها باید مدنظر قرار گیرد.

۲۵- تقویت احساس نیاز به دین : برنامه درسی و آموزش های دینی باید به گونه ای طراحی

شود که اصل احساس نیاز به دین را برای دانش آموز زنده کند، به گونه ای که دریابد بدون تکیه بر دین و اعتقادات دینی زندگی او دارای یک خلأ بزرگ است و از معنا و جهت تهی است. او دریابد که زندگی با دین گره ها را می گشاید و از سردرگمی ها و بی تفاوتی ها نجات می دهد و به شخصی فعال در جامعه و هدفمند و مفید در زندگی تبدیل می کند.

۲۶- معرفی دین سهله و سمحه : با توجه به این که مخاطب آموزه های ما دانش آموزان و

نوجوانان هستند، عرضه دین باید به گونه ای باشد که با روحیه و توانایی آنان سازگار باشد و باید احساس کنند که تعلیم دینی نه تنها زندگی را سخت و مشکل نمی کند، بلکه تعلیمی قابل انجام، مؤثر و کارآمد

است. از سخت‌گیری‌های بی‌جا تهی است و به علائق و خواسته‌های مشروع و عقلانی نوجوان نیز توجه دارد.

۲۷- آموزش اقلیت‌های دینی (مسیحی، یهودی و زرتشتی): چون همهٔ ادیان الهی در اصول دین و جوهره و حقیقت دین که خداگرایی و معنویت‌گرایی و عمل برای سعادت در آخرت است، وحدت‌نظر دارند، چهارچوب کلی برنامهٔ درسی آنان از همین برنامه اخذ می‌شود. اما محتوای آموزشی آنان با توجه به تعلیمات خاص آن ادیان و با استفاده از منابع مورد تأیید در آن ادیان، فراهم می‌آید. این آموزش باید هماهنگ با قانون اساسی و قوانین عادی جمهوری اسلامی ایران باشد.

۲۸- امکان توسعه و تکمیل و تجدیدنظر در برنامه: آموزش دینی با مسائل مستحدثهٔ فکری، سیاسی، اجتماعی و اخلاقی جامعه پیوندی مستقیم و وثیق دارد و آن تحولات، اندیشه و عمل مخاطبین آموزش - یعنی دانش‌آموز - را به سرعت متأثر می‌نماید، لذا لازم است شورای برنامه‌ریزی درس دینی در دوره‌های معینی تشکیل گردد و مباحث و مسائل جدید را استخراج و مطرح نمایند و در صورت تشخیص کارشناسانه نسبت به اهمیت آن موضوعات و لزوم آموزش آن‌ها، تغییر مناسب در کتاب صورت گیرد. البته تغییرات محتوا باید به‌نحوی انجام گیرد که آموزش را دچار تحولات روزمره نسازد و به اصل تداوم در آموزش لطمه وارد نیاورد.

۳- روش‌های تعلیمی و تربیتی؛ رویکرد فعال، محور روش‌ها

رویکرد فعال در تعلیم و تربیت دینی دارای شاخصه‌های زیر است:

۱- عنصر اصلی در رویکرد فعال، تأکید بر تعقل و تفکر مخاطب و دادن آزادی عمل به عقل و اندیشه است تا بتواند فعالانه موضوع را بررسی کرده و مطابق با معیارهای تعقل به نتیجه برسد. ایجاد فضای مناسب برای تعقل و عقلانیت و میدان دادن به آن، مهم‌ترین رکن در رویکرد فعال است. این‌رو، در آن‌جا که سنخ موضوع، سنخ عقلی است، شیوه‌های تحکمی نه تنها کارایی ندارد، بلکه عملاً نتایج معکوس خواهد داد.

۲- در امور عقلی و تفکری، سپردن قضاوت نهایی به دانش‌آموز یک امر قراردادی و وضعی نیست که بتوان تصمیم گرفت به دانش‌آموز واگذار شود یا نه، بلکه امری تکوینی و حقیقی است و چه بخواهیم و چه نخواهیم، برعهدهٔ اوست. آنچه لازم است، این است که در برنامه‌ریزی و شیوهٔ تدریس بدین امر توجه شود و نادیده گرفته نشود.

۳- سپردن داوری و قضاوت به دانش‌آموز، به معنای رهاکردن او و به خود وانهادش پس از طرح مسئله نیست. گاهی چنین گفته می‌شود که برای این که به ذهن دانش‌آموز جهت ندهیم و برای این که جلو فعالیت آزاد اندیشه‌اش را نگیریم، باید در هنگام طرح مسئله، از موضع‌گیری نسبت به یکی از پاسخ‌ها دوری کنیم و همهٔ پاسخ‌های ممکن را با نگاه بی‌طرفانه در اختیار او قرار دهیم تا خود ارزیابی کند و اتخاذ موضع نماید. این روش به معنی نادیده گرفتن دستاوردهای انسان از هزاران سال تفکر و اندیشه است. دبیر، نه تنها می‌تواند دربارهٔ پاسخ‌های ممکن اظهار نظر صریح کند و موضع خاص بگیرد، بلکه لازم و ضروری است و این به معنای انتقال تجربه‌های خود و نتایج علمی به دست آمده است. مهم آن است که معلم در اظهار نظر صریح و روشن خود جانب انصاف را رعایت کند و پیرو استدلال و منطق باشد.

۴- یک بُعد از رویکرد فعال، توجه به گرایش‌های فطری و فعال کردن آن‌هاست. ما با انسانی بی‌تفاوت و معلق روبه‌رو نیستیم که زیبایی و زشتی، حق و باطل، خوبی و بدی، خدا و شیطان برایش یکسان باشد. تقویت خداگرایی، زیباگرایی، حق‌گرایی و مانند آن، همچون تقویت اندام‌های جسمانی در کودکی است. یعنی همان‌طور که تقویت اندام‌های جسمانی سبب می‌شود که کودک بتواند از این اندام‌ها درست استفاده کند و از جنبهٔ جسمانی، فعالیت طبیعی از خود نشان دهد، تقویت گرایش‌های بالقوه و شکوفا کردن آن‌ها سبب فعالیت طبیعی اندیشه، علائق و گرایش‌ها خواهد شد. به همین جهت دبیر محترم باید بکوشد از مجموعهٔ شیوه‌هایی که این گرایش‌ها را تقویت می‌کنند کمک بگیرد و فعالیت‌هایی را سامان دهد که به تقویت آن ابعاد مدد رسانند.

۵- با توجه به طیف وسیع و متنوع موضوعات دینی، رویکرد فعال در هر موضوعی مناسب با خود آن موضوع، شکل می‌گیرد و ظهور می‌کند. در موضوعات مربوط به مبانی، مانند جهان‌بینی، مبدأ و معاد و حقیقت انسان، رویکرد فعال آن است که عقل در بررسی دیدگاه ارائه شده فعال شود، با مقیاس‌های منطقی خود آن دیدگاه را ارزیابی کند و بپذیرد. پس از عبور از مبانی، بررسی موضوعات خاص‌تر، با ملاحظهٔ آن مبانی انجام می‌شود. به طور مثال، اگر کسی با ملاحظهٔ مبانی، حقیقت اسلام را پذیرفت و قبول کرد که قرآن کریم کتاب الهی است و آن را به‌عنوان کتاب الهی پذیرفت، برای یادگیری این کتاب می‌تواند از رویکرد فعال بهره‌برد، اما این رویکرد فعال به معنای این نیست که شخص، نسبت به معارف مطرح شده بی‌طرف باشد و بگوید که هر معرفتی را مطالعه می‌کنم، اگر با عقل من هماهنگ بود، می‌پذیرم و اگر هماهنگ نبود نمی‌پذیرم. یعنی با نگاه نقادی وارد عمل نمی‌شود. بلکه با نگاه تفسیری قرآن را مطالعه می‌کند یعنی صحت معارف را می‌پذیرد و ذهن خود را آمادهٔ فهم محتوا می‌کند، نه ارزیابی آن.

هم چنین، در سیره، پس از این که شخص پذیرفت که ائمه اطهار (ع) از جانب رسول خدا (ص) منصوب‌اند و بنا به فرمایش آن حضرت، معصوم هستند، در هنگام مطالعه سیره آن بزرگواران، مانند یک ناظر بی طرف عمل نمی کند. بلکه فعال بودنش در سیره بدان معناست که هر چه بهتر بتواند از زندگی آنان درس‌های بهتر بگیرد و در زندگی خود به کار بندد.

در احکام نیز یک چنین وضعیتی حاکم است. در تعلیم احکام، روش فعال به این معنا نیست که حکمی از احکام دین ذکر شود و به نقد و ارزیابی دانش‌آموزان گذاشته شود تا آنان برداشت خود را نسبت به مفید بودن آن بیان کنند و پس از آن تصمیم بگیرند که به آن حکم عمل کنند یا نه. بلکه در احکام توجه به حکمت احکام می‌شود از جهت معرفت بیش‌تر به آن حکم و انجام همراه با معرفت به آن است و نیز از جهت پشتیبانی‌های عقلی و قلبی برای تداوم در عمل و انجام فریضه است.

۶- با توجه به این که دانش‌آموزان کشور ما در خانواده‌های دیندار و معتقد به دین تربیت می‌شوند و اسباب تقویت دین از قبیل مسجد، رسانه‌ها و اطلاعات پدر و مادر در پیرامون آن‌ها وجود دارد، همواره با تعلق قلبی و اطلاعاتی از دین مخاطب ما قرار می‌گیرند. در هنگام تدریس، وظیفه ما آن است که این تعلق قلبی را تقویت کنیم و از اطلاعات آنان بهره ببریم. یعنی آنان را نسبت به آنچه با خود آورده‌اند فعال کنیم و از داده‌های آنان به عنوان پشتیبان تدریس کمک بگیریم و در ضمن تدریس، به تقویت و اصلاح آن داده‌ها بپردازیم.

۷- در مباحث نظری و اعتقادی که تعقل و اندیشه نقش اصلی را دارد و انسان باید در این موضوعات صاحب بینش و تفکر باشد، رویکرد فعال نقش اساسی‌تری دارد و همان‌طور که گفته شد، از موضع تحکم نمی‌توان وارد شد. اما از آن‌جا که در این قبیل مباحث باید از گنجینه عظیم معارف الهی و بشری بهره برد، نمی‌توان آموزش را از نقطه صفر آغاز کرد. به‌طور مثال، وقتی این مسأله مطرح می‌شود که «آیا خلقت هدفدار است یا نه» نباید دانش‌آموزان را که دارای ذهنی ساده نسبت به این موضوع هستند رها کرد و از آن‌ها خواست که به تنهایی یا با همفکری یکدیگر درباره این موضوع بیندیشند و نظر دهند و آن‌گاه نظرات آنان جمع‌بندی شود و نهایی گردد. بلکه کتاب درسی و دبیر باید تلاش کند که نتیجه تحقیقات متفکرین دینی را در اختیار دانش‌آموزان قرار دهد و از آنان بخواهد که درباره این تحقیقات بیندیشند. این امر سبب می‌شود که دانش‌آموزان با بهره‌مندی از اندیشه بزرگان، به تفکر عمیق‌تر نسبت به موضوع برسند و دلایل صحیح فراوانی را که خودشان به ذهنشان نمی‌رسیده و نتیجه تفکر متفکرین بزرگ است، بدانند و به وجه صحیح پاسخ دست یابند. هنر تدریس در این است که دبیر بتواند دستاورد متفکرین را به گونه‌ای طرح کند که :

اولاً: دانش‌آموز احساس کند، قبل از داوری و قضاوت و تصمیم‌گیری، باید نظرات متفکرین را به درستی بفهمد و هضم کند. به عبارت دیگر، باید همواره نوعی خضوع و خشوع در مقابل علم و عالم در شخص طالب علم باشد. فعال بودن اندیشه به این معنا نیست که انسانی تازه از راه رسیده وقتی با نظری از اندیشمندی مانند ابن سینا، خواجه نصیر، علامه طباطبائی و شهید مطهری روبه‌رو می‌شود، از همان ابتدا در موضع داوری و ارزیابی قرار بگیرد. ما باید به دانش‌آموزان خود یاد دهیم که شرط اول علم دوستی آن است که قبل از هر چیز باید درست بفهمند و رسیدن به فهم درست، خود نیازمند تفکر و تعمق فراوان است.

این توصیه که یک حیث اخلاقی نیز دارد، راهگشای تفکر آزاد و درآمدن از چنبره خودخواهی و بیرون رفتن از جمود و تنگ‌نظری است. مشهور است که نیوتن گفته است: «من بر پشت غولان ایستاده‌ام.» یعنی اگر می‌بینید که من در ارتفاعی بلند از مراتب علم و دانش ایستاده‌ام، به‌خاطر قامت بلند خودم نیست. از آن ابتدای سطح زمین تا این ارتفاعی که من ایستاده‌ام، غولان بلند بالایی در علم و دانش میانه شده‌اند تا من در این ارتفاع قرار بگیرم و هرکدام که خود را کنار کشند به همان میزان یا بیش‌تر به پایین خواهم افتاد. بنابراین در ابتدای راه، ما باید به دانش‌آموزان خود تواضع در مقابل علم را بیاموزیم. و تواضع در این‌جا بدان معنی است که زحمت بکشیم تا بدانیم که آن عالم و اندیشمند چه می‌گوید.

ثانیاً: دانش‌آموز آن نظر را در چارچوب فکر و اندیشه خودش مورد تجزیه و تحلیل و بررسی قرار دهد و در صورتی که آن را صحیح یافت بپذیرد و اگر اشکالی بر آن دید، طرح نماید و در پی رفع اشکال برآید و تا آن‌جا پیش‌رود که یا اعتماد کامل به آن اندیشه پیدا کند یا مطمئن شود که آن اندیشه با عقل و استدلال ناسازگار است.

۸- از مهم‌ترین تجلیات رویکرد فعال در تعلیم و تربیت دینی، تلاش برای درک آموزه‌های قرآن و قول و فعل معصوم (ع) است. داشتن روحیه فعال در مواجهه با این آموزه‌ها و حرص و ولع در کسب پیام‌ها و درس گرفتن از آن‌ها، نشانه آن است که شخص اعتماد کامل به قرآن کریم و سیره معصومین (ع) دارد و می‌داند که کوتاهی و تبلی و بی‌تفاوتی یا غفلت در بهره‌مندی از آموزه‌های قرآن و سیره، عقب‌ماندگی در کمال و رشد را به‌همراه دارد. رویکرد فعال، در این مورد، تلاش برای فهم عمیق و عمیق‌تر آموزه است، نه نقادی. به میزانی که اعتماد و وثوق به قرآن کریم و معصومین (ع) بیش‌تر باشد، شوق به گرفتن پیام‌ها افزایش می‌یابد و بهره‌مندی بیش‌تر می‌شود.

به همین جهت برای بهره‌مندی از قرآن و سنت، فعالیت‌هایی باید پیش‌بینی شود که در این

فعالیت‌ها اولاً توانایی فهم از آیات و روایات افزایش یابد، ثانیاً پیام‌ها و آموزه‌های آیات، معیار ارزیابی خود و جامعه قرار گیرد، نه انسان و عقل انسان معیار آن آموزه‌ها واقع شود. به عبارت دیگر، در این موارد، عقل در خدمت دریافت وحی و تفسیر وحی قرار می‌گیرد، نه نقد آن.

پرورش نسلی که با وحی، نه از موضع نقد، بلکه از موضع تفسیر، ارتباط برقرار کند، از مهمترین تمایز تعلیم و تربیت دینی با تعلیم و تربیت سکولار است. و یکی از تجلیات رویکرد متخذه و اصول ذکر شده در رویکرد انتخابی در روش تدریس، همین موضوعی است که در این بند شرح داده شد.

با عنایت به مراتب فوق و با بهره‌مندی از قرآن کریم و سنت و سیره معصومین صلوات‌الله علیهم و نیز تجربیات مراکز آموزشی روش‌های متنوعی برای این درس پیشنهاد می‌شود. این روش‌ها می‌توانند در موضوعات مختلف به کار گرفته شوند؛ که این بستگی به سلیقه و مهارت معلم دارد. و پیشنهادهایی که در این جا داده می‌شود، دست معلم را برای به کارگیری این روش‌ها در موضوعات مختلف نمی‌بندد. برخی از روش‌ها با برخی قابل جمع‌اند و برخی با برخی دیگر قرابت و نزدیکی دارند و می‌توان برخی را در برخی ادغام کرد. برخی از آن‌ها نیز شاید در حد یک روش نباشند. اما برای سهولت کار و جلب توجه معلم به روش‌ها و سلیقه‌های متنوع، مواردی که احصاء شده را می‌آوریم:

۱- روش همیاری: این روش دامنه گسترده‌ای دارد و در اهم موضوعات دینی قابل اجراست، به خصوص در مباحث اجتماعی. این روش در مواردی که می‌خواهیم فرد به تأمل درونی دعوت شود، مثلاً محاسبه نفس کند یا رابطه معنوی با خدا برقرار کند، کاربرد کمتری دارد.

۲- روش پرسش و پاسخ: این روش در مباحث اعتقادی و نظری کارایی بیش‌تری دارد. این روش می‌تواند میان دو دانش‌آموز یا معلم و دانش‌آموز اتفاق بیفتد.

۳- روش قصه‌گویی و داستان: این روش برای بیان سیره بزرگان استفاده می‌شود. همچنین برای آموزش غیرمستقیم ارزش‌های اخلاقی مؤثر است. داستان می‌تواند وسیله شروع فعالیت‌ها و تمرین‌های مختلف دانش‌آموزان قرار گیرد.

۴- روش ایجاد فرصت تأمل با خود: گاهی یک سؤال، یک بیت شعر، یک تصویر و اموری از این قبیل آدمی را به خود برمی‌گرداند و در تأمل فرو می‌برد. در این گونه تأمل‌هاست که تصمیم‌های مهم و مؤثر گرفته می‌شود و قدم‌های رو به جلو برداشته می‌شود. معلم باید بتواند در لحظه‌های ناب و در فرصت‌های مناسب، زمینه‌های تأمل را فراهم کند.

۵- روش ایجاد فرصت تجربه کردن و لذت بردن از تجربه: در این روش، معلم به‌طور

عملی شرایطی را فراهم می‌کند که دانش‌آموز لذت عمل دینی را تجربه کند و از این طریق پیوند قلبی وی با آن عمل تقویت شود. مشارکت در جشن‌ها و اعیاد مذهبی، همکاری و همیاری در رفع نیازهای دیگران و هر اقدام خیر دیگری که لذت از کار خیر را به‌طور واقع به دانش‌آموز می‌چشاند و گرایش او به کار خیر را افزایش می‌دهد.

۶- **روش انذار و تبشیر**: این روش که در قرآن کریم بسیار به کار رفته، یادآوری ثمرات عمل خیر و نتایج کارهای بد است. با تبشیر، امید انسان نسبت به آینده زیبا در سایه کار خوب افزایش می‌یابد و با انذار، بیمی نسبت به آینده خطرناک ناشی از کار شکل می‌گیرد.

۷- **روش آموزش مستقیم**: در این روش، مسأله مورد نظر به‌نحو روشن و واضح با مخاطب طرح می‌شود تا مخاطب بدون ابهام و شک مسأله را دریابد و درباره آن تصمیم بگیرد. این روش بخصوص در مسائل اعتقادی و احکام کاربرد بیشتری دارد.

۸- **روش آموزش غیرمستقیم**: این روش، بیش‌تر در موضوعات اخلاقی کاربرد دارد. در برخی موارد، تذکر روشن و مستقیم، مؤثر واقع نمی‌شود و شخص مخاطب تحت تأثیر قرار نمی‌گیرد. تشخیص این موارد و مواضع با معلم است. در این موارد معلم از ابزار دیگری کمک می‌گیرد تا توجه مخاطب را جلب نماید.

۹- **روش تذکر**: در قرآن کریم بر این روش تأکید شده و خداوند، رسول خدا را به استفاده از این روش دعوت می‌کند. یکی از نام‌های قرآن کریم هم «ذکر» است. تذکر، مبتنی بر انسان‌شناسی دینی است که بر گرایش‌های فطری استوار است و اصول اخلاقی، اصولی ثابت و پذیرفته شده تلقی می‌شود. تذکر، به معنای به یاد آوردن آن اصول پذیرفته شده و دادن خودآگاهی نسبت به آن گرایش‌های فطری است.

۱۰- **روش سخنرانی**: این روش بیش‌تر در تبیین اصول اعتقادی کاربرد دارد که باید یک موضوع، به‌نحو منسجم طرح شود و توضیح داده شود. البته انتخاب سخنرانی، به معنای استفاده از روش غیرفعال نیست. سخنرانی می‌تواند در رویکردی فعال عرضه شود، به‌گونه‌ای که دانش‌آموزان برخوردی فعال با سخنرانی داشته باشند و براساس سخنرانی، فعالیت‌های تعریف شده را انجام دهند.

۱۱- **روش موعظه**: این روش، بیش‌تر به نفس‌لوازمه و بیدارگری وجدان و برای ایجاد انگیزه به اخلاق حسنه و کار خیر و نفرت و دوری از رذایل اخلاقی و کار بد است. زبان انتخابی، یک زبان نصیحت‌گرانه است و ابزارهای مختلفی برای این منظور، به کار گرفته می‌شود.

۱۲- **روش طرح الگو و اسوه**: در این روش، از شخصیت‌الگویی انسان‌های مرجع و

مورد قبول استفاده می‌شود. رسول خدا (ص) و معصومین بزرگوار دیگر بهترین اسوه‌هایی هستند که هم برترین معیار انسان دیندار هستند و هم مقبولیت آنان نزد نوجوانان و جوانان بسیار بالاست. اسوه‌های دیگر نیز به نسبت نزدیکی و قربشان با این معصومین باید به جوانان شناخته شوند. همچنین باید از اسوه‌های مورد اعتماد در عصر حاضر و نزدیک به زمان نوجوان امروزی بیش‌تر یاد گردد.

۱۳- روش تشویق و تنبیه: این روش، با انذار و تبشیر متفاوت است. در روش انذار و تبشیر، تأکید بر آثار و نتایج خود عمل است. اما در روش تشویق و تنبیه، متکی بر تشویق‌ها یا تنبیه‌های جانبی است که می‌تواند با خودِ عمل رابطه مستقیم نداشته باشد، بلکه معلم برای ایجاد انگیزه ثانوی، از برخی تشویق‌ها و تنبیه‌ها کمک می‌گیرد و دانش‌آموز به نسبت آن تشویق و یا تنبیه کاری را انجام می‌دهد یا از عملی دوری می‌کند.

این روش در سنین پایین، مانند دوره دبستان و قبل از دبستان، در موضوعات اخلاقی و برخی رفتارها مؤثر است. اما به هیچ‌وجه نباید تبدیل به رویه شود که در آن صورت، دانش‌آموز همواره کارهای خوب را نه به‌خاطر خوب بودنشان، بلکه به نیت تشویق انجام خواهد داد و اصل خوبی آن عمل در قلب وی تثبیت نخواهد شد.

۱۴- روش نمایش: اجرای نمایش توسط دانش‌آموزان، هم بر مجریان نمایش تأثیر می‌گذارد و هم تماشاگر را به‌گونه‌ای زنده با داستان نمایش مواجه می‌کند. از این رو، به او حضوری فعال می‌دهد، به‌خصوص که اگر با روش‌های فعال دیگر توأم شود و پس از اجرا، محتوای نمایش مورد نقد و بررسی قرار گیرد.

۱۵- روش تحقیق و مطالعه: این روش که در همه موضوعات دینی کاربرد دارد، در صورتی که همراه با مهارت‌های صحیح تحقیق و مطالعه باشد، به دانش‌آموز کمک می‌کند که به یک عادت پسندیده دست یابد و بدین‌وسیله بتواند دایره دانش خود را از محدوده کتاب‌های درسی فراتر ببرد. این روش قدرت تجزیه و تحلیل و تفکر و استنباط را افزایش می‌دهد و به آموخته‌ها عمق می‌بخشد.

۱۶- روش کنفرانس دانش‌آموزی: این روش اعتماد به نفس دانش‌آموزان را افزایش می‌دهد و عمق دانش کنفرانس‌دهنده را بیش‌تر می‌کند. کنفرانس باید حول یک موضوع باشد. کنفرانس‌دهنده بهتر است از میان یک گروه برگزیده شود تا رقابت گروهی ایجاد شود بدین‌معنا که گروه از او پشتیبانی کند و سایر گروه‌ها به نقد بپردازند.

۱۷- روش مشاهده و تحلیل مشاهدات: این روش، بیش‌تر در مهارت‌هایی مانند وضو گرفتن، نماز، تیمم و مانند آن و نیز در رفتارها و اعمال کاربرد دارد. فرد، با دیدن یک عمل مهارتی یا

یک رفتار اخلاقی آن را تجزیه و تحلیل می‌کند، نقاط قوت یا ضعف عمل را شمارش می‌کند و به‌طور غیرمستقیم آموزش می‌بیند.

۱۸- روش خلق موقعیت برای داوری : در این روش با کمک روش‌های دیگر، مانند نمایش، نقل خاطره، فیلم و مانند آن، به دانش‌آموز فرصت داوری و قضاوت داده شود تا دربارهٔ حادثه و عناصر آن اظهار نظر کند. این روش بیش‌تر در موضوعات اخلاقی و رفتار اجتماعی کاربرد دارد.

۱۹- روش مناظره : این روش، با پرسش و پاسخ متفاوت است. در مناظره، معمولاً از بیش از دو نفر استفاده می‌شود و افراد در نقش رقیب ظاهر می‌شوند. این روش در موضوعات اعتقادی و مسائل اجتماعی کاربرد بیش‌تری دارد.

۲۰- روش آموزش انفرادی : این روش نیز معجونی از چند روش است که براساس توانایی‌های هر شاگرد تنظیم می‌شود. در این روش، شاگردان برحسب توانایی‌شان پیش می‌روند و معلم نیز وقت کمتری را صرف تدریس و زمان بیش‌تری را برای رسیدگی به فرد شاگردان صرف می‌کند. در این روش، روحیه استقلال‌طلبی شاگردان در اجرای پروژه‌های بزرگ و کوچک تقویت می‌شود.

این روش، در تعلیم و تربیت دینی به‌گونه‌ای دیگر مطرح است و می‌توان با استفاده از تجربه‌های جدید، سنت‌های قبلی را تعالی بخشید. تربیت دینی مواجههٔ دو انسان است که هرکدام شخصیت ویژهٔ خود را دارند. شخصیت برجسته و ممتاز معلم در رابطهٔ شخصی بسیار تأثیرگذار است. هر دانش‌آموزی هم که در مقابل معلم قرار می‌گیرد، شخصیت خاصی دارد با حساسیت‌ها، گرایش‌ها، نگرانی‌ها، امیدها و آرزوهای ویژه. اگر معلم بتواند فراتر از چارچوب نگاه کلی خود به مجموعهٔ کلاس، با دانش‌آموزان رابطهٔ فردی برقرار کند و حال و هوای روحی او را درک کند و با او همراه و هم‌صحبت شود، بهتر می‌تواند آنان را رشد دهد یا مشکلاتشان را حل نماید. کاربرد این روش برای دانش‌آموزان ممتاز یا مسأله‌دار فوریت بیش‌تری دارد.